

فضای مجازی: فرصت‌ها و تهدیدها در بستر تربیت اسلامی

سید محمد قلمکاریان^۱، سیده راضیه حمیده کیش^۲

^۱استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

m_ghalamkarian@pnu.ac.ir

۰۹۱۳۳۰۹۰۶۴۰

^۲کارشناسی ارشد، دانشجو روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، سمیرم، ایران

r.hamidehkish@gmail.com

۰۹۱۷۲۳۳۱۷۲۸

چکیده

مأموریت‌های که بر عهده نظام آموزشی است ما را بر آن می‌دارد با دقت بیشتری به تصمیم‌گیری پیرامون کاربری فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش بپردازیم. بر این اساس شناسایی فضای مجازی: فرصت‌ها و تهدیدها در بستر تربیت اسلامی هدف اصلی این مقاله می‌باشد. روش انجام مقاله، توصیفی - تحلیلی بوده و برای اعتباربخشی یافته‌های پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند پرسشنامه‌ای در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفته که ضریب پایایی آن از روش آلفای کرونباخ ۰.۹۴ به دست آمده و روایی صوری آن نیز مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد آموزش مجازی در ساحت‌های تربیت دینی و اخلاقی، تربیت علمی و فناوری، تربیت زیستی و بدنی، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، تربیت حرفه‌ای و اقتصادی و تربیت اجتماعی و سیاسی، فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگونی را سبب می‌شود که توجه به آن‌ها برنامه‌ریزان نظام آموزشی را در اتخاذ رویکردی هوشمندانه در قبال آموزش مجازی یاری می‌رساند.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، فرصت‌ها و تهدیدها، در بستر تربیت اسلامی

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسأله:

اگرچه در مورد تأثیر شگرف فناوری اطلاعات در دستیابی سریع، آسان و ارزان به اطلاعات فراوان، اتفاق نظر وجود دارد و این کارکرد فناوری اطلاعات به عنوان مهم‌ترین گام در جهت توسعه علمی و تکامل جامعه بشری مورد تقدیر و توجه قرار گرفته است ولی درباره پیامدهای آن تردیدهای جدی به چشم می‌خورد (علم‌الهدی، جمیله. ۱۳۸۳) لذا یکی از علایق کنونی متفکران تعلیم و تربیت، ایجاد آگاهی و هشیاری در میان سیاست‌گزاران نظام‌های آموزشی نسبت به کاربرد فناوری در آموزش و پرورش است تا تدوین و اجرای سیاست‌های مربوط، بر درک و آگاهی همه جانبه از فرصت‌ها و تهدیدهای نهفته در هر یک از کاربردهای این پدیده و ارزیابی آن‌ها استوار شود (مهر محمدی، محمود و نفیسی، عبدالحسین. ۱۳۸۳). اما این که شناسایی و تحلیل نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها بر اساس چه ملاکی صورت بگیرد نیز بسیار حائز اهمیت است؛ در نظام‌های آموزشی به طور روز افزون مسائلی پدید می‌آید که ماهیت هنجاری دارد. در پاسخگویی به این مسائل معمولاً تجربه‌ها، سلیقه‌ها و اندیشه‌های دست‌اندرکاران، تأثیرگذاری و غلبه دارد و رهایی از تأثیرات گسترده نیروهای اجتماعی نیز تقریباً منتفی است. در ادبیات معاصر علوم تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت، منطق و معیار نظام آموزش و پرورش را تعیین می‌کند و تصمیم‌گیری در مورد اهداف، سیاست‌های کلان، طرح‌ها و برنامه‌های نظام آموزشی را ممکن می‌سازد. لذا برای نجات این وضعیت لازم است یک نظریه تربیت با کمک فلسفه تعلیم و تربیت و ضمن تبیین ویژگی‌های انسان، مطالعات علوم تربیتی را هدایت کرده و به نظام‌های آموزشی در ایجاد تغییرات، برنامه‌ریزی برای توسعه و تنظیم فرآیندها و اقدامات اصلاحی یاری رساند. از سویی در عموم جوامع اسلامی و غیراسلامی، پس از یک دوره نسبتاً طولانی حیرت و انفعال، از یک سو رویکرد انتقادی نسبت به فرهنگ و تمدن جدید به طور روزافزون فراگیر شده و از سویی درخواست عمومی برای برخورداری هم‌زمان از مواهب معنوی نظریه‌های متکی بر متافیزیک و دستاوردهای مادی تمدن جدید رو به گسترش است (علم‌الهدی، جمیله. ۱۳۸۸). تعالیم آخرین فرستاده حق بنا بر شهادت قرآن کریم که می‌فرماید "هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون" (توبه: ۳۳) از صحت و جامعیت برخوردار است و قابلیت پاسخ‌گویی به تمامی سوالات انسان در هر عصر و زمانی را دارد، بنابراین مبانی اسلامی و اصول ارزشی، بدون شک معیاری را ارائه می‌دهد که حاوی ملاک‌های معتبری برای هدایت بهسازی نظام آموزشی است و مطلوب است تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی نیز در همین چارچوب و بر اساس آموزه‌ها و تعالیم اسلامی و صرفاً در هماهنگی و انطباق با اهداف تعیین شده در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی صورت بگیرد. در غیر این صورت، نوعی بی‌معیاری بر فعالیت‌های دست‌اندرکاران آموزش و پرورش حاکم خواهد گشت که حاصل آن بی‌نظمی و انسجام نیافتگی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی است. آنچه این عدم انسجام را تشدید می‌کند بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورهای

دیگر است. هر چند به طور اصولی این گونه بهره گیری، مجاز و معقول است اما چنین نیت که بتوان سیاست ها و طرح های موفق دیگران را بدون کم و کاست در بستر جامعه و فرهنگی دیگر به کار بست. (باقری، خسرو. ۱۳۸۰).

۲-۱ سوالات پژوهش:

- ۱- فرصت ها و تهدیدهای آموزش مجازی با توجه به اهداف تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟
- ۲- آیا صرف دسترسی به انبوهی از اطلاعات در حوزه های مختلف واقعاً منجر به ایجاد شناختی عمیق و دقیق نسبت به موقعیت می گردد یا نه؟
- ۳- باید دید آموزش مجازی در این زمینه ها تا چه حد فرصت ساز و یا تهدید کننده است؟
- ۴- حال سوال این است که مگر دسترسی آسان به اطلاعات مختلف از مزایای فناوری جدید نیست پس چرا این مسئله باید نگران کننده جلوه داده شود؟

۳-۱ مبانی نظری

در احصاء فرصت ها و تهدیدهای آموزش مجازی با دو دسته از فرصت ها و تهدیدها روبه رو می شویم: ۱- فرصت ها و تهدیدهایی که کاملاً مرتبط با ماهیت آموزش مجازی است و در نتیجه تغییراتی است که در این روش از آموزش در ارائه محتوا، روش تدریس، نقش معلم، نقش دانش آموز و رابطه معلم و دانش آموز و نحوه ارزشیابی اتفاق می افتد. ۲- فرصت ها و تهدیدهایی که به ماهیت این روش از آموزش مرتبط نبوده بلکه به زیرساخت ها (مثلاً فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک زیر ساخت و ...) و رویکردهای استفاده از این شیوه از آموزش (مثلاً رویکردهای تجاری، سیاسی و ...) مرتبط می شود.

بدون شک برای شناخت دقیق و مؤثر موقعیت، هرگز یادگیری در سطح آشنایی با مفاهیم اصلی یا اصول اساسی قلمروهای معرفتی مربوط به هر یک از اجزاء و عناصر موقعیت کافی نمی باشد بلکه تلاش تربیتی جهت دستیابی به سطوح عالی تر یادگیری نظیر بکارگیری آموخته ها و کسب گرایش نسبت به آن ها برای شناخت و به خصوص اصلاح موقعیت الزامی است. (علم الهدی، جمیله. ۱۳۸۶). بنابراین هر چند نمی توان منکر فایده و اهمیت افزایش و سهولت دسترسی به اطلاعات در ضمن آموزش مجازی شد اما این ویژگی به خودی خود کفایت نمی کند و چه بسا اگر قدرت گزینش اطلاعات در یادگیرنده وجود نداشته باشد خود این دسترسی به انبوهی از اطلاعات به عنوان یک تهدید جدی قابل طرح و بررسی باشد. به عبارت دیگر به نظر می رسد آنچه به عنوان شرط کافی برای استفاده بهینه از این انبوه اطلاعات در شناخت مؤثر و دقیق موقعیت برای یادگیرندگان مطرح است برخورداری از سطوح بالای تفکر می باشد؛ البته ارائه دهندگان دوره های آموزش مجازی مدعی هستند در صورت طراحی آموزشی مناسب، می توان یادگیرندگان مجازی را نه تنها به سمت خودگردانی سوق داد بلکه به ایفای نقش فعال در یادگیری، یادگیرندگان می توانند به مهارت های سطح بالای تفکر از جمله تفکر انتقادی نیز دست پیدا کنند. از سوی دیگر برای اصلاح موقعیت علاوه بر شناخت، مؤلفه هایی نظیر استمرار توجه به موقعیت، به یاد داشتن موقعیت خطرناک، حفاظت مستمر از موقعیت اصلاح شده و به کارگیری روش های اصلاح، بازداري و پیشگیری بسیار حائز اهمیت است. باید دید آموزش مجازی در این زمینه ها تا چه فرصت ساز و یا تهدید کننده است؟ به نظر می رسد فضای چندرسانه ای آموزش مجازی، جذابیت وب و جنبه سرگرم کنندگی آن و عواملی از این قبیل غفلت زا بوده و مانع استمرار توجه و یادداری موقعیت می گردد. از سویی هر چند ممکن است خود محتوای دوره های آموزشی مبتنی

بر وب تهدید کننده نباشد اما دسترسی به انبوهی از منابع مختلف که لزوماً هم پایبندی به ارزش‌ها در آن‌ها مطرح نیست خود یک موقعیت خطرناک است.

در پاسخ سوال ۴ باید گفت دسترسی آسان به اطلاعات از آن جهت که در منابع مختلف اما محدود مثل زمان، هزینه و ... صرفه‌جویی ایجاد می‌کند و از سویی فرصت همه‌جانبه‌نگری را فراهم می‌آورد مفید است اما از آنجا که معمولاً در فضای مجازی همه این اطلاعات لزوماً را صرف دیجیتال و اینترنتی بودن به طور کامل می‌پذیرد و علمی می‌پندارد و این مسئله در مورد یادگیرندگان کم سن به احتمال بسیار بیشتری رخ می‌دهد، نمی‌توان به این دسترسی آسان چندان خوش بین بود مگر این که مخاطبی در معرض این اطلاعات قرار بگیرد که از مهارت‌های تفکر همچون تفکر انتقادی و تفکر منطقی برخوردار باشد و یا حداقل تلاش گردد که مخاطب در مواجهه با این حجم از اطلاعات، نقادانه عمل نماید و دست به گزینش بزند. بنابراین به نظر می‌رسد دسترسی به این اطلاعات در فضای مجازی می‌تواند در صورت فقدان چنین گزینش و تعقلی به راحتی، آزادی انتخاب را از مخاطبی که در دوره‌های اولیه رشد قرار دارد ربوده و او را در بند اطلاعات ناصحیحی که به غلط و بر اثر تبلیغات حقیقت پنداشته شده‌اند قرار دهد. از سوی دیگر حتی اگر در خوش‌بینانه‌ترین حالت هم طراحی آموزشی دوره مجازی کاملاً منطبق بر فلسفه تربیتی مدنظر ما باشد باز هم نمی‌توان منکر رویدادهای تجاری، سیاسی و اقتصادی در آموزش مجازی شد که ممکن است به عنوان موانع در این راه ایجاد اشکال نمایند. از سوی دیگر تأکید مکرر بر قابلیت‌ها و کارکردهای فناوری و گاه‌آغراق و مبالغه درباره آن‌ها می‌تواند دانش‌آموز را در فضایی قرار دهد که این فناوری با تمامی کارکردهایش را برتر از انسان در نظر بگیرد؛ به عبارت دیگر به جای اینکه با دیدن چنین پیشرفت‌هایی، انسان و نحوه تعقل او که منجر به خلق چنین فناوری شده را مورد تمجید قرار دهد، به تمجید از فناوری بپردازد؛ یعنی به جای آنکه از تمجید فناوری به تمجید و تحسین انسان و نهایتاً تحسین خالق انسان برسد نتیجه‌ای کاملاً عکس بگیرد و در همان حد بماند که این مسئله هم می‌تواند در ارتقای ابعاد معنوی و برقراری ارتباط او با خداوند و عبادت و تقلید به احکام دینی مؤثر باشد. از سویی همان‌طور که پیش از این هم مطرح شد یکی دیگر از دغدغه‌های قابل توجه این است که در اطلاعات ارائه شده در فضای مجازی الزاماً پایبندی به ارزش‌ها و اصول اخلاقی مطرح نیست که این خود می‌تواند به عنوان یک تهدید محیطی در در تربیت اخلاقی مطرح گردد؛ به عبارت دیگر وجود محرک‌های غریزی و مطالب ضد اخلاقی می‌تواند دغدغه برانگیز باشد زیرا هر چند افزایش خودگردانی یادگیرندگان را داریم اما تا زمانی که یادگیرنده بر اساس یک اندیشه ورزی عمیق به نظام معیار پایبند نشده باشد قرار گرفتن او در فضای مجازی می‌تواند او را در معرض این موقعیت‌های تهدید آمیز و آسیب‌های ناشی از آن قرار دهد و در این فضا مهارت‌های غرائز طبیعی و کسب صفات و فضائل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و رذائل غیر اخلاقی دشوار می‌نماید. با این حال در باب مسئله تربیت اخلاقی چند نکته دیگر قابل توجه است: ۱- درست است که فضای مجازی به لحاظ فراهم کردن اطلاعات پیرامون فضایل و رذایل اخلاقی می‌تواند مؤثر واقع گردد اما تربیت اخلاقی به معنای دریافت صرف اطلاعات پیرامون فضایل و رذایل اخلاقی نیست و آنچه بیش از همه در این ساحت از تربیت حائز اهمیت است تقویت اراده و خویش‌داری فرد است که می‌توان گفت آموزش مجازی به علت تأکید بر خودگردانی، خود نظم دهی و خودکنترلی یادگیرندگان در مسئله تقویت اراده می‌تواند مؤثر واقع گردد. از سویی کاربست روش‌های مشارکتی و بحث و گفتگو که از شیوه‌های رایج در آموزش مجازی است نیز می‌تواند کمک کننده باشد. ۲- شاید بتوان گفت حضور در محضر معلمی متخلق به فضایل اخلاقی در تربیت

اخلاقی یادگیرندگان بسیار حائز اهمیت است که به نظر می‌رسد در فضای آموزش مجازی عملاً این فرصت از دست می‌رود، به عبارت دیگر روش یادگیری از اسوه و الگو در این ساحت از تربیت بسیار حائز اهمیت است که در آموزش مجازی مطرح نیست.

۲- روش شناسی

روش انجام مقاله: توصیفی - تحلیلی بوده و برای اعتباربخشی یافته‌های پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند پرسشنامه‌ای در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفته که ضریب پایایی آن از روش آلفای کرونباخ ۰.۹۴ به دست آمده و روایی صوری آن نیز مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است.

۳- بحث درباره یافته‌ها

از آنجا که در آموزش مجازی یادگیرنده با سایر یادگیرندگان و معلم ارتباط چهره به چهره ندارد، لذا یکی از دغدغه‌های جدی در زمینه آموزش مجازی همواره مسئله اجتماع شدن و تربیت اجتماعی یادگیرندگان است. هر چند طراحان دوره‌های آموزش مجازی مدعی هستند که این نحوه آموزش به علت حداکثر استفاده از قابلیت‌های فناوری، تعامل یادگیرندگان با یکدیگر و معلم را افزایش می‌دهد و برخی از صاحب‌نظران از جمله بارت نیز معتقدند که کامپیوتر رسانه‌ای اجتماعی است و از نظر او می‌توان کامپیوترها را برای پشتیبانی و غنی‌سازی تعاملات اجتماعی لازم در فرآیند یاددهی - یادگیری به کار برست و لذا برخی برنامه‌های آموزش مجازی واجد جنبه‌های اجتماعی هستند و میزان تعامل افراد با یکدیگر را افزایش می‌دهند (عطاران و همکاران، ۱۳۸۳). با این حال از یک سو به نظر می‌رسد نحوه استفاده از فضای مجازی در آموزش در میزان اجتماعی شدن یا نشدن دانش‌آموزان تأثیرگذار است و از سوی دیگر باز هم تردیدهای جدی وجود دارد که این نوع تعاملات منجر به رشد اجتماعی واقعی و همه‌جانبه دانش‌آموزان گردد. به عبارت دیگر در تعاملات صورت گرفته در فضای واقعی دانش‌آموزان و معلم به راحتی و با استفاده از زبان تن و ابراز احساساتی از قبیل لمس کردن، دست دادن، در آغوش گرفتن، اخم کردن، حرکات سر و ... می‌توانند حس خود را منتقل نمایند که این مولفه مهم ارتباطی در فضای آموزش مجازی از دست می‌رود زیرا ارتباط مجازی، ارتباط چهره به چهره نیست و فاقد تجربه حسی و لمسی است. هر چند امروزه فناوری‌هایی همچون ویدئو کنفرانس، گپ و گفتگوی غیر متنی و از طریق صدا و ... در دسترس هستند اما باید دید به طور واقعی و به دلیل محدودیت‌های پهنای باند و سرعت اینترنت تا چه حد در دوره‌های آموزش مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نتیجه به نظر می‌رسد آنچه به عنوان برقراری رابطه سازنده و مناسب با دیگران و کسب شایستگی‌های نظیر بردباری، وفاق و همدلی، مسالمت جویی و مراعات حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران در تربیت اجتماعی مد نظر است در آموزش مجازی کمتر قابل حصول باشد چرا که فراگیر در ارتباط مجازی بیش از آنکه در دنیای واقعی مشارکت کرده و با دیگران به طور حضوری ارتباط برقرار کند، در جایی نشسته و از اطلاعات بهره می‌گیرد. این ارتباط بیش از آنکه بدنی و حسی و عاطفی باشد، خردمندانه است و از این رو بیش از آنکه از نوع ارتباط "من و تو" به عنوان دو انسان باشد از نوع ارتباط "من و تو" به عنوان دو نام کاربری است.

همچنین ممکن است دانش‌آموزان تعامل با انسان‌ها را در مقایسه با تعامل با کامپیوتر و تعامل در فضای مجازی، غیر قابل پیش‌بینی، مخاطره آمیز و دردناک دریابند و این امر منجر به پرورش روحیه انزوا از انسان‌ها در محیط واقعی و جذابیت تعامل در فضای مجازی گردد. از سوی دیگر جامعه‌پذیری و بازشناسی آداب و رسوم و هنجارها و ارزش‌های جامعه صرفاً از طریق کسب اطلاعات در این زمینه اتفاق نمی‌افتد بلکه طی تعاملات اجتماعی واقعی و الگوگیری از الگوهای اجتماعی مناسب است که این انتقال ارزش‌ها صورت می‌گیرد، هر چند خانواده یکی از مؤلفه‌های مهم در این زمینه است اما نقش مدرسه، معلم و سایر یادگیرندگان در این زمینه غیر قابل انکار است. یادگیری در مدرسه صرفاً یادگیری اعمال شخصی و انفرادی نیست بلکه نحوه یادگیری و رفتار به عنوان جزئی از اجتماع است و یکی از کارکردهای آن‌ها آموزش

ارزش‌های اجتماعی است (عطاران و همکاران، ۱۳۸۳). بنابراین یکی از اصلی‌ترین وظایف مدرسه که شرکت دادن دانش‌آموزان در فرآیند هدایت شده اجتماعی شدن است به نظر می‌رسد در آموزش مجازی از دست برود. از سوی دیگر از آنجا که در فضای مجازی دانش‌آموز خود را در معرض دید و کنترل مستقیم اولیاء مدرسه و معلم نمی‌بیند امکان قانون شکنی و عدم رعایت آداب و معیارهای اجتماعی توسط او افزایش می‌یابد.

با این وجود به نظر می‌رسد در شرایط کنونی جهان، فضای مجازی می‌تواند یکی از اثرگذارترین رسانه‌ها در ایجاد درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی یادگیرندگان در سطح ملی و جهانی باشد البته باز هم به این شرط که انبوه اطلاعات ارائه شده در فضای مجازی به طور خودکار صحیح و عین حقیقت تلقی نگشته بلکه یادگیرنده نسبت به آن‌ها گزینشی عمل نماید.

به نظر می‌رسد یادگیری در بستر آموزش مجازی می‌تواند با فراهم کردن اطلاعات علمی، در درک ویژگی‌های زیستی بصیرت نسبت به سبک زندگی انتخاب شده و شناخت نسبت به محیط زیست مؤثر واقع گردد اما از آنجا که در فضای مجازی فعالیت بدنی موضوعیت ندارد لذا پاسخگویی مسئولانه به نیازهای جسمی و تقویت قوای جسمی و حساسیت نسبت به حفظ و ارتقاء سلامت و ایمنی افراد جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی همچنین کوشش مداوم جهت حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت از دست برود. تجربه مجازی، حواسی چون لامسه و بویایی حذف می‌شود به بیان دیگر تجربه مجازی بیش از آنکه بدنی باشد ذهنی است و همین امر پیامدهایی دارد: بدن فراگیر در واقعیت محدودیت‌هایی چون درد، خستگی، پارگی، شکستگی و حتی مرگ دارد و فراگیر در تجارب واقعی خود به این محدودیت‌ها واقف است و نسبت به آن‌ها احساس تعهد کرده و از بدن خود مراقبت می‌کند و در این راه حتی آموزش‌های لازم را هم می‌بیند اما در فضای مجازی، تجربه بدنی نیست و از این رو محدودیت‌های پیش گفته معنی ندارند و به تبع آن تعهدی نیز وجود ندارد. تجربه مجازی مفاهیمی چون جنگ و مرگ نیز با نوع واقعی آن تفاوت فراوانی دارد (ضرغامی همراه، سعید ۱۳۸۶).

همین مسئله درباره محیط زیست نیز موضوعیت دارد؛ به این ترتیب که عدم حضور در فضای واقعی طبیعت و محیط زیست، حساسیت‌های واقعی نسبت به حفظ آن را هم خدشه‌دار می‌کند.

از آنجا که تجربه مجازی در بردارنده تجارب عمیق حسی و بدنی فراگیر نیست نمی‌تواند به پرورش حواس یادگیرنده چندان کمک کند؛ به عبارت دیگر هر چند فضای آموزش مجازی می‌تواند یادگیرنده را در کاربست بدون محدودیت نور و رنگ و صدا و استفاده از نرم افزارهای عکاسی، گرافیکی و نقاشی کمک نماید و به این ترتیب ابزار لازم را برای خلق آثار هنری مبتنی بر جولان تخیلات فراهم آورد اما به نظر می‌رسد پرورش حواس و قوه تخیل در خلأ اتفاق نمی‌افتد و این کار مستلزم حضور ملموس یادگیرنده در فضای طبیعت / هستی می‌باشد. به عبارت دیگر ارتقاء ذائقه زیباشناسانه و رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت / هستی و نهایتاً آبراز آن‌ها به زبان هنری مستلزم تجارب عمیق حسی و بدنی فراگیر در فضای واقعی است.

از آنجا که در اقتصاد دانش بنیان حال حاضر تولید دانش و مدیریت آن و همچنین داشتن سواد اطلاعاتی بسیار حائز اهمیت است به نظر می‌رسد آموزش در فضای مجازی می‌تواند در افزایش این مهارت‌ها در یادگیرندگان بسیار مؤثر بوده و زمینه‌ساز توانایی تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه واقع گردد. که البته یکی از رویکردهای استفاده از آموزش مجازی، رویکرد عقلانیت اقتصادی است که یکی از نقاط تأکیدش همین مسئله رشد مسیر شغلی یادگیرندگان می‌باشد.

با این حلا یک نکته همچنان حائز اهمیت است و آن اینکه بین دو مفهوم "دانستن" و "مهارت" تفاوت وجود دارد. فناوری اطلاعات زمینه "دانستن" را فراهم می‌کند ولی نمی‌تواند "مهارت" بدنی در فراگیر ایجاد کند. برای کسب مهارت نیاز به "بدن فعال" داریم یعنی بدن باید به طور کلی در موقعیت کسب مهارت، فعالیت کند تا مهارت مورد نظر کسب شود (ضرغامی همراه، سعید، ۱۳۸۶)؛ البته در این میان نقش شبیه‌سازها را که به مدد فضای مجازی در دسترس ما قرار گرفته‌اند نباید در پرورش حرفه‌ای دانش‌آموزان نادیده گرفت.

از مهم‌ترین اهداف مطرح شده در این ساحت به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی و داشتن تفکر انتقادی است. اگر به عقل از منظر منابع

اصیل دینی نگریده شود و در تعریف آن به این منابع استناد گردد، جایگاه محوری آن در تعلیم و تربیت به روشنی مشخص می شود (ذوعلم، علی، ۱۳۸۷). در تعلیم و تربیت اسلامی به رشد فکری و تعلق اهمیت زیادی داده شده است؛ از نظر علامه شهید، مرتضی مطهری (ره)، تعلیم عبارت است از یاد دادن و در آن متعلم فقط فراگیرنده است و مغز متعلم به منزله انباری است که یک سلسله معلومات در آن ریخته می شود. اما این کافی نیست و هدف تعلیم باید بالاتر باشد. معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش بدهد و او را به سوی استقلال رهنمون شود (مطهری، مرتضی ۱۳۸۸). حال باید آموزش مجازی تا چه در رسیدن به این هدف می تواند مؤثر باشد. از دیدگاه صاحب نظران غربی، طراحی آموزشی در آموزش مجازی باید بر مبنای فلسفه زیر بنایی سازنده گرایی صورت بگیرد و اساساً آموزش مجازی یکی از مناسب ترین بسترها برای پیاده کردن این رویکرد در عمل است. در این فلسفه یادگیرندگان در ساخت دانش نقش محوری و فعال بازی می کنند. (اسلاوین، رابرت ای. ۱۳۸۵). و این در پرورش قدرت تعقل بسیار مؤثر است.

اما از سوی دیگر باید به این مسئله توجه داشت که روبه رو کردن ذهن فعال یادگیرندگان با انبوهی از اطلاعات می تواند آن ها را در چارچوب تنگ این اطلاعات محصور نموده و مانع از بروز خلاقیت، اندیشه ورزی عمیق و در نتیجه نگرستن و پدیده هایی مختلف از زوایا و ابعاد جدید گرد پستمن اعتقاد دارد، اختصاص فرصت بیشتر برای دستیابی به اطلاعات، جایگزین تفکر در باب معنی اطلاعات می شود. او معتقد است که دستیابی آسان دانش آموزان به اطلاعات، دانش آموزان را از رنج تحقیق و پذیرش انتقاد، آزاد می کند و در عین حال وقت آن ها را صرف تفکر نمی کند. به نظر او ممن است تعلیم و تربیت کامپیوتری دانش آموزان را صاحب شغل گرداند ولی لزوماً از ایو یک متفکر نقاد نمی سازد. (عطاران و همکاران. ۱۳۸۳). به عبارت دیگر باید به این نکته توجه داشت که در بسیاری از موارد، داشتن اطلاعات بیشتر منجر به دانش نمی شود. حتی ممکن است انبار شدن داده ها و پیچیده شدن روابط بین آن ها، به کاهش دانش منجر شود. آنچه در جامعه ی اطلاعاتی به خصوص در بخش آموزش و پرورش مورد تأکید است، صرف سرمایه گذاری و کاربرد سخت افزاری و ابزار گونه فناوری اطلاعاتی - ارتباطی و استفاده از آن باری انبار کردن اطلاعات نیست. بکله مسأله ی مهم و اساسی که بیانگر ارزش واقعی به کارگیری این فناوری ها در آموزش و پرورش است، توانمند سازی دانش آموزان در برگزیدن و انتخاب اطلاعات مورد نیاز است. یعنی آنچه که قدرت تشخیص نیاز و یافتن راه محل های رفع آن، نیاز را در اختیار دانش آموز قرار می دهد. در این صورت دانش آموزان به مرحله ی خود رهبری می رسند و قادرند فناوری های اطلاعاتی - ارتباطی را در خدمت خود بگیرند، نه آن که خود به خدمت آن در آیند. این گونه است که فناوری نه فقط یک ابزار، بلکه روشی نو در آموزش و پرورش را بنیاد می نهد. (عزیزپور، علی اکبر و نیازی، عیسی. ۱۳۸۷).

یکی دیگر از جنبه های حائز اهمیت این است که در بستر آموزش مجازی، دسترسی به منابع و بانک های اطلاعاتی معتبر علمی تسهیل می گردد و استفاده از منابعی مانند کتابخانه های دیجیتال و موارد مشابه می تواند یادگیرندگان را در برنامه ریزی جهت فعالیت های علمی - پژوهشی یاری رساند البته از این نکته نباید غافل شد که اطلاعات غیر علمی نیز در فضای وب کم نیستند و این خود می تواند به عنوان یک تهدید جدی برای فعالیت های پژوهشی مطرح گردد به ویژه اگر یادگیرنده در حال پژوهش با تمامی اطلاعات روی وب به مثابه حقیقتی مطلق و کاملاً علمی برخورد نماید.

از سوی دیگر جنبه سرگرم کنندگی موجود در روش های مبتنی بر کاربست فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی دیگر از دغدغه های در این ساحت از تربیت می باشد؛ به نظر می رسد یکی از مهم ترین ضربه هایی که آموزش مجازی می تواند به فراگیر، به ویژه فراگیران کم سن و سال مقاطع ابتدایی و متوسطه وارد کند همین مسئله است؛ منتقدین فناوری های نوین معتقدند که فناوری های نوین یک از آفات پرورش تفکر انتقادی در نظام های آموزشی می باشند به گونه ای که به جای سوگیری تعلیم و تربیت به سمتی که محصول آن متفکران جدی، نقاد و مصم باشد، تعلیم و تربیت را با تفریح و سرگرمی آمیخته کرده است. (عطاران و همکاران. ۱۳۸۳). از نظر واکر، به کارگیری فناوری، دانش آموزان را به چالش بیشتر فرا نمی خواند. فناوری کارها را ساده و ماشینی می کند، نیازهای دانش آموزان را کاهش می دهد و باعث کاهش اثربخشی و تفکر می شود. (عطاران و همکاران. ۱۳۸۳).

عدالت آموزشی امروزه یکی از دغدغه‌ها مهم دست اندرکاران امر آموزش و پرورش است. نظریه‌های عدالت آموزشی متأثر از نظریه‌های عدالت اجتماعی هستند؛ نظریه‌های عدالت اجتماعی دارای دو دغدغه اساسی هستند که عبارتند از یک: توزیع برابر منابع و مواهب. دو: برابری فرصت‌های مشارکت. ولی در حالی که عدالت توزیعی به کاهش تمایزها و مشابه‌سازی یا اشتراک معطوف است؛ عدالت مشارکتی بر تمایز و خاص شدن ناظر می‌باشد. عدالت آموزشی بر اساس توزیع برابر منابع اجتماعی، مقتضی برابری فرصت‌های آموزشی و توزیع برابر منابع آموزشی، اعتبارات و غیره است. در این معنا از عدالت آموزشی لازم است دولت به رغم تفاوت‌های فرهنگی گروه‌های اجتماعی که شامل ارزش‌ها، آداب و رسوم، علایق، اهداف، تجربه‌های تاریخی، تهدیدها و فرصت‌های خاص آن‌ها مربوط می‌شود و همچنین برخلاف تفاوت‌های طبیعی که به جنسیت، استعداد، ویژگی‌های جسمی و محیط جغرافیایی شاگردان، بستگی دارد به استاندارد سازی و توزیع برابر منابع و فرصت‌های یادگیری بپردازد؛ ولی عدالت مشارکتی مستلزم اجرای طرحی از عدالت آموزشی است که شامل رسمیت یافتن و همچنین مداخلات هویت‌های فرهنگی، ارزش‌ها، آداب، تجربه‌ها، علایق و اهداف تمام گروه‌های اجتماعی را در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، فعالیت‌ها و محتوای آموزشی را فراهم آورد. به نظر می‌رسد با توجه به آنچه که تحت عنوان توجه به تمایزها در عین توجه به اشتراکات یادگیرندگان برای ما حائز اهمیت است، روش آموزش مجازی در این زمینه می‌تواند توفیقاتی نصیب ما کند.

بنابراین به نظر می‌رسد آموزش مجازی به دلیل افزایش امکان اعمال تفاوت‌های فردی در فرآیند یاددهی - یادگیری، انعطاف‌پذیری و ارائه آموزش در هر زمان و در هر مکان و توسعه گسترده دسترسی به منابع اطلاعاتی می‌تواند بر عدالت آموزشی تأثیرگذار باشد با این حال شکاف دیجیتالی موجود بین طبقات مختلف اجتماعی به خودی خود می‌تواند در افزایش بی‌عدالتی تأثیرگذار باشد؛ هر چند این مسئله به ذات آموزش مجازی بر نمی‌گردد و بیشتر مربوط به نحوه سیاست‌گذاری‌ها در گسترش و بهره‌مندی مناطق مختلف از این فناوری است.

تحقق امر تربیت مستلزم برقراری پیوند عاطفی بین مربی و متربی است. خداوند رحیم در کتاب تربیت یعنی قرآن کریم بهره‌گیری رسول خدا از نیروی محبت و مهرورزی را مهم‌ترین عامل موفقیت در امر هدایت مردم می‌داند (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹). در نهاد انسان، عواطف فراوانی نهاده شده که نقش آن‌ها در تربیت آدمی غیرقابل تردید است. زندگی افراد در تمامی مراحل رشد، تحت تأثیر عواطف قرار دارد و رفتار فردی و اجتماعی انسان به طریقی متأثر از آن است و سلامت جسمی و روانی فرد وابسته به سلامت عاطفی اوست. از این رو رفتار کسی که عواطفش به صورت متعادل پرورش یافته با رفتار فردی که فقر عاطفی دارد یکسان نیست و چگونگی رفتار هر یک متأثر از چگونگی رشد و تربیت عواطف اوست. از آن جا که قرآن کریم کتاب تربیت و هدف از ارسال انبیاء و پیامبران نیز هدایت و تربیت آدمی بوده است، بنابراین همه در متن این کتاب تربیتی و هم در سیره عملی و قول و فعل انبیاء (ع) به عنوان الگوهای حسنه نمونه‌های گویایی از توجه به تربیت انسان و ابعاد مختلف تربیتی او شامل (بعد عقلانی، اجتماعی، جسمانی، اخلاقی و عاطفی) می‌توان یافت.

اساساً تحقق امر تربیت منوط به پیوند عاطفی بین مربی و متربی است. تغییر و تحولی که در نتیجه برقراری رابطه محبت آمیز در انسان به وجود می‌آید، بسیار ژرف و بنیادی است. خداوند در تربیت انسان، محبت را به عنوان پیوندی محوری به کار می‌گیرد: «فسوف یاتی ا.... بقوم یحبهم و یحبونه....». در این آیه «یحبهم» قبل از «یحبونه» آمده است یعنی ابتدا از ابراز محبت خدا و سپس از ابراز محبت آدمی نسبت به خدا سخن می‌گوید و این نشان می‌دهد که ابراز محبت مربی به دل‌بستگی متربی جهت می‌دهد و حاصل آن ظهور شیفتگی عمیق در متربی نسبت به مربی است. هنگامی که این دو حاصل گردد، می‌توان زمینه التزام عملی فرد را به انجام امور فراهم آورد. (کشاورز، سوسن. ۱۳۸۶).

با کاهش برخوردهای اجتماعی فراگیر در زندگی روزانه مثل برخورد با شخصیت معلم، بیدار کردن روح تاریخی جامعه نیز در او با مشکل مواجه می‌شود. برای روشن‌نگری بیشتر می‌توان گفت هر جامعه‌ای، تاریخ و فرهنگ مخصوص خود را دارد که این تاریخ و فرهنگ، می‌تواند در کل شخصیت معلم (و نه صرفاً در صدا، تصویر یا حتی اندیشه او) متجلی شده باشد؛ در برخورد و ارتباط حضوری معلم و فراگیر این امکان فراهم می‌شود که روح تاریخی جامعه (که در کل شخصیت معلم هویداست) از سوی فراگیر حس و فهمیده شود. (ضرغامی همراه، سعید ۱۳۸۶).

۴- نتیجه گیری، بحث و پیشنهادها

فناوری مظهر هوش، حواس و عقلانیت انسان است بنابراین نباید اجازه داد آنچه بدین ترتیب حاصل شده است، موجب زائل شدن، مختل شدن یا معطل ماندن هوش و حواس انسان بشود. در به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه خطیری مانند آموزش و پرورش باید مراقب بود تا جریان تند و سیل آسای افزودن سخت افزار و نرم افزار به مدارس، فرصت تأمل و تدبیر درباره ابعاد گسترده آن که ناشی از توجه به آثار و عوارض مثبت یا منفی یا فرصت‌ها و تهدیدها می‌باشد را زائل نسازد. بلکه ضرورت دارد از مرغوب‌ترین نوع و عمیق‌ترین شکل هوش و حواس انسانی بهره جست و در سایه آن به تدوین سیاست‌های هوشمندانه و مدیرانه همت گمارد تا این فناوری در خدمت تربیت نسل جدید باقی بماند و معین رشد و کمال او گردد. (مهر محمدی، محمود و نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۸۳).

با توجه به رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، احساس رو به افزایش نیازمندی به آن و رویکردهای تجاری سیاسی در استفاده از آن، به نظر می‌رسد لازم است نظام آموزشی به مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق برای مدیریت تحولات ناشی از سیطره فناوری اطلاعات و ارتباطات بپردازد. یکی از مراحل فوری برای تدوین راهبردهای منطقی آموزش مجازی، تحلیل نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها است. این برنامه‌ریزی استراتژیک است که باید به شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها بپردازد، برنامه‌ریزان می‌توانند با شناسایی فرصت‌هایی که وجود دارند و وسایل لازم برای بهره‌برداری از آن‌ها را فراهم کنند. همچنین با تشخیص تهدیدهای که وجود دارند برنامه‌ریزان می‌توانند طرح‌هایی برای رفع یا حداقل برای کاهش اثرات آن‌ها بر آموزش و پرورش تهیه کنند. (هرمن، جری جی و هرمن، جانسن ال. (۱۳۸۴) لازم است یادآوری شود پیش گرفتن این رویه به منزله نفی یا تشویق استفاده از آموزش مجازی نیست بلکه استفاده هوشمندانه از آن را منجر می‌شود.

۵- منابع

۵-۱ منابع داخل متن:

مقاله منبع	فارسی	غیرفارسی
یک نویسنده		
دو نویسنده	(علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۳)	
دو نویسنده	(باقری، خسرو. (۱۳۸۰).	
دو نویسنده	(عطاران و همکاران. (۱۳۸۳).	
دو نویسنده	(ضرغامی همراه، سعید (۱۳۸۶).	
دو نویسنده	(ذوعلم، علی. (۱۳۸۷).	
دو نویسنده	(کشاورز، سوسن. (۱۳۸۶).	
دو نویسنده	(مطهری، مرتضی (۱۳۸۸).	
دو نویسنده	(اسلاوین، رابرت ای. (۱۳۸۵).	
بیشتر از دو نویسنده	(مهر محمدی، محمود و نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۸۳).	
بیشتر از دو نویسنده	(عزیزپور، علی اکبر و نیازی، عیسی.	

	(۱۳۸۷).	
بیشتر از دو نویسنده	(مهر محمدی، محمود و نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۸۳).	
بیشتر از دو نویسنده	هرمن، جری جی و هرمن، جانسین ال. (۱۳۸۴)	

۲-۵ منابع انتهای مقاله:

قرآن کریم

۱. هرمن، جری جی و هرمن، جانسین ال. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی تغییر و نوگردانی در مدیریت آموزشی. ترجمه علی علاقه پند. تهران: ارسباران. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۴).
۲. علم الهدی، جمیله (۱۳۸۳). تبیین فلسفی کارکردهای پنهان فناوری اطلاعات. در همایش برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات. تهران: آئیژ: انجمن برنامه‌ریزی درسی ایران.
۳. مهر محمدی، محمود و نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۸۳). گزارش تلفیق مطالعات طرح تدوین سیاست‌های راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش. تهران: آرشیو اسناد کتابخانه و مرکز اسناد و اطلاع رسانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
۴. باقری، خسرو. (۱۳۸۰). پژوهش برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
۵. عطاران و همکاران. (۱۳۸۳). تحلیل روان شناختی و تربیتی کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش. تهران: آرشیو اسناد کتابخانه و مرکز اسناد و اطلاع رسانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
۶. ضرغامی همراه، سعید. (۱۳۸۶). بررسی هستی‌شناسانه تجربه واقعیت از راه فناوری اطلاعات و تأثیر آن در دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه انگیزه‌شناسی‌الیزم. رساله دکترا. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۷. ذوعلم، علی. (۱۳۸۷). الگوی مفهومی هدف‌گذاری درسی و تربیتی. تهران: دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی. طرح تولید برنامه درسی ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۹. اسلاوین، رابرت ای. (۱۳۸۵). روانشناسی تربیتی: نظریه و کارست. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۶).
۱۰. عزیزپور، علی اکبر و نیازی، عیسی. (۱۳۸۷). رویکردهای نوین آموزش و پرورش در دهکده جهانی. در مجموعه مقالات هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران: جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها. دانشگاه مازندران.

۱۱. کشاورز، سوسن. (۱۳۸۶). محبت و مهرورزی در سیره پیامبر اکرم (ص) و بیان دلالت‌های آن در حوزه عناصر برنامه درسی در مجموعه

مقالات نخستین همایش بین‌المللی سیمای پیامبر اعظم (ص) و برنامه‌های درسی. جلد اول. تهران: انتشارات مدرسه.

[1] Long, Huey B.(2003) .preparing e-learners for self-directed learning in Preparing learner for e-learning edited by : George M Piskurich. Sanfrnacisco: Pfiffer. John Wiley & sons.

[2] Siemens, George and yurkiw, Stephen. (2003). The roles of the learner and the instructor in e-learning in Preparing learner for e- learning .edit by George m. piskurich. Sanfrancisco :Pfeiffer John Wiley & sons.

[3] Russell, Glenn. (2004). Virtual school: A critical view in development and management of virtual schools: issues and trends edited by: Catherine Cavanaugh. Hershey: information science publishing.